

الیکارشی یا

خاندانهای حکومتگرایان

خاندان امینی

- ۵ -

آب حوردن در اختیار بیگانه

قرارداد رویترا را می‌توان سیاه‌کارترین و سنگین‌ترین قرارداد بین دو کشور دانست اگر ملتی بر اثر جنگ در برابر دشمن به زانو درآمده کشور او اشغال و دشمن به خانه او راه یافته باشد باز حاضر نمی‌گردد زیر چنین قراردادی امضای خود را بگذارد.

شکست اسپانیا از انگلستان، فرانسه از آلمان، آلمان از فرانسه، ترک از انگلستان، روسیه از فرانسه...

در تمام این جنگ‌ها طرف هزیمت یافته حاضر نشده است در برابر فاتح منخاصم چنین قرارداد را امضا کند.

بر اساس این قرارداد تمام منابع ایران از معدن و جنگل و آب و مراکز نوسازی، راه و گمرک و تزئین شهرها... و حتی طبق ماده ۱۵ آبیاری اراضی و احداث قنوت و کانالها در اختیار مأموران قرار گرفته بود بر اساس این قرارداد دیگر نه به عنوان خیال‌پردازی بلکه به موجب سند و امضا (ایرانی حق نداشت بدون اجازه آب بخورد) چه آب مشروب ما از قنوت تأمین میشد آنهم اختیارش را به دست (جنبول) داده بودیم که به قول لرد گورن (اگر این قرارداد اجرا می‌شد نه تنها شاه ایران بلکه تزار روسیه مات می‌شد).

این پاره‌ای از نوآوری سپهسالار بود که برای اغوای مردم در قرارداد از نوسازی آینده حتی (احداث لوله گاز، راه آهن، بانک، شهرسازی) سخن پیش آمده بود و اگر هم اقوال انگلیسیها در این مورد درست بود بمانند این بود محکومی را با بهترین لباس تاج پادشاهی و کمر بند قهرمانی به سوی سکوی اعدام بالا ببرند. ایران آبادی که استقلال نداشته باشد در آن ما، حق

(آب خوردن) نداشته باشیم چه ایرانی خواهد بود .
در برابر چنین تصمیم بلا شرط يك کشور جنگه نکرده وشکست خورده
این سؤال پیش می آید چرا سپهسالار تن بدین قرارداد می دهد و چرا فرزانگان
تایمز چنین قرارداد غیر عملی را بر ایران تحمیل می کنند .
به ظاهر نظر سپهسالار این بود در برابر پیشرفت های برق آسای سرداران
مفرور روسی در خانای آسیای مرکزی و نزدیک شدن سریمان به مرزهای
ایران سر نوشت ما را به دست بیگانه زورمندی بسپارد انگلستان را در برابر روسیه
قرار دهد . می گمان می اندیشید با این خدمت او صدراعظم دست نشانده دائمی
ارباب خواهد بود . ولی اگر این سیاست خطرناک نیز توأم با یک رنگی نیک
اندیشی و پاکدلی و مین پرستی بود می شد برای آن محملی تراشید و به نوعی
توجیه و تمبیر کرد .

کار انگلیسها در مورد این مانور سیاسی کاملاً مطالعه و حساب شده
توأم با زیرکی ویژه سیاسی بود . این قرارداد به هیچ وجه اقتصادی و عمرانی
نداشت صرفاً استراتژیکی بود .

به سال ۱۲۸۴ ق . (۱۸۶۶ م .) اتمسفر گرمیلین به جهت سقوط
بخارا و اشغال واحدهای خمیوه غرق جشن و شادی بود ژنرال چرانیاپ
مورد نوازش ویژه تزار قرار گرفته بود که ناگهان خبر قرارداد روئیتز کاخ
آرزوها و خیالات روسیان را در هم فرو ریخت . تزار دید در برابر میلیونها
روبل که او خرج کرده و تلفات نظامی سنگین در آسیای مرکزی داده است
انگلستان بی آنکه سربازی در خاک ایران پیاده و یا گلوله ای بدر کرده باشد
با امضای ناصرالدینشاه صاحب اختیار (دروازه هند) شد .

گنت شوائف C. schuvaloff از رجال درباری روسیه و هواخواه
سیاست نزدیکی هر چه بیشتر با انگلیسها بود الکساندر دوم تزار ناگزیر
دست به سوی گنت دراز کرد وی با لرد لوفتوس lord Loftus سفیر
انگلستان در پترزبورگ تماس گرفت نگرانی شدید تزار را از عقد قرارداد
روئیتز به اطلاع رسانید پاسخ شنید جای هیچ نگرانی نیست نظر انگلستان از
عقد این قرارداد فقط حفظ امنیت مرزهای هند در برابر عملیات ماجراجویانه
نظامیان روسیهست .

خبر عزیمت پادشاه ایران به انگلستان چنان تزار را نگران ساخت که
گنت در رأس هیأت حسن نیتی راه لندن را پیش گرفت به دولت و پارلمان
اطمینان داد که فتوحات روسیه به زیان هند نیست همه گونه تضمین لازم در
مورد سیاست امنیتی بریتانیا در باره مرزهای هند داد (۱) این چنین روسیه

در برابر این نمایش تسلیم گردید ، قرارداد گرچاکف گرانویل را امضا کرد . براساس این قرارداد امنیت مرزهای هند تضمین شد قرارداد روئیتر از قدرت قانونی افتاد باحضور شاه در لندن شالوده این قرارداد طرح و مورد موافقت قرار گرفت و درحقیقت لرد ارل گرانویل شاه را نرم کرد البته او و صدراعظم در این مسافرتها همه گونه وسایل (به راه آوردن) شاه را در اختیار داشتند کما اینکه به دنبال این سفرها شاه بلهوس قاجار وقتی به لندن نامه می نویسد به جای طرح معضلات سیاسی (از زیبایی زن لرد گرانویل وزن گلاستون نخست وزیر انگلستان که پذیرائی غزالان مولطائی و چشم آبی باختری زیر دندانش مزه گذاشته بود ؛ توصیف می کند (۲) .

گرچه قرارداد روئیتر بعد از قرارداد گرچاکف گرانویل لغو شد ولی انگلیسها از این قرارداد حداکثر بهره کشی را کردند بعد از مرگ این قرارداد مولود ریزی به نام امتیاز بانک شاهی (لانه جاسوسی انگلیس) از آن در کشور باقی ماند که بعداً امتیازش لغو و بساط آن برچیده شد . سپهسالار وقتی خود در انگلستان بود به خوبی احساس سردی و نفرت زمامداران انگلیسی را کرد و فهمید دیگر کار او تمام است حال زمان آن رسیده است این چوب کبریت را که با آن سیگار برگ انگلیسی روشن شده است با فشار ته کفش از بین برود از اینرو در پاسخ سپهسالار ، وزیر امور خارجه انگلیس در همین روزها در نامه دوم جولای ۱۸۷۳ خود در مورد اجرای اصول قرارداد گرچاکف و گرانویل و (کان لم یکن بودن) قرار داد روئیتر به سپهسالار چنین می نویسد : « ... اینک دولت پادشاهی انگلستان چنین تصویری کند بهترین روش سیاسی دولت ایران باید چنین باشد بارعایت استقلال خویش تمهدهات خود را به هر بها شده است نسبت به انگلیس و روس انجام دهند . در اینصورت هر دو دولت نیز خواهند کوشید به خاطر منافع خویش هم که شده است از دولت ایران پشتیبانی نمایند ... »

این از ویژه گی کارگذاران بیگانه است که به دنبال يك خیانت ، خوش رقصی های زننده تری می کند که شاید با این ناز و غمزه سیاسی موقعیت خود را حفظ دارند بعد از امضای قرارداد گرچاکف و گرانویل سپهسالار فهمید برای حفظ موقعیت خود باید هر دو استعمار را راضی کند . بنابراین این اساس سیاست آینده خود را در نزدیکی به روسها و تأمین منافع آنان در ایران گذاشت ساعدالملک را به همین منظور به عنوان سفیر ویژه به

ناصرالدینشاه در سفر دوم خود به اروپا (۱۲۹۵ ق ، ه) در پترزبورغ با الکساندر دوم تزار ملاقات می کند و برای جلب سیاست وی گروهی از افسران روسی را استخدام ، پایه بنیاد قزاقخانه را در ایران می گذارد . به طوری که بعداً می بینیم چگونه این نیرو به عنوان يك عامل خارجی موجبات وقفه و شکست نهضت ها و وسیله دخالت در امور داخلی ما می گردد . سپهسالار به هنگام قتل تزار باز برای تسلیت به پترزبورغ می رود اعمال او به قدری مورد توجه قرار می گیرد که الکساندر دوم نشان مخصوصی را که در گردن داشت به او می بخشد .

سپهسالار به همین منظور به جهت ترسیه روسیه به بخشیدن قسمتی از خاک کشور می پردازد اعتماد السلطنه از قول او در این باره می نویسد : « از جمله خدمات من به دولت روس دست کشیدن دولت ایران بود از حقوقی که در ماوراء خزر و گوگک تپه ... داشت قسمتی از حدود خراسان را به روسها واگذار کرد ، » .

در اهمیت و ارزش اقتصادی این نقاط همین بس که دکتر محمود افشار در کتاب ارزنده خود به زبان فرانسوی با استناد به نظر : (ال . بیلی L. Beylie از کتاب آیا هند مال انگلیس خواهد شد یاروس) معتقد است روسیان هر سال از چراگاههای این نقاط میلیون ها بهره برداری می کنند (۳) چنان که بعدها نیز به حسب نیاز دامداران خراسان هر سال با مقررات مرزی به خاک روسیه (چراگاههای از دست رفته خود) می رفتند در فصول نا مساعد از نقاط گرمسیر و چراگاههای آخال برای تعلیف و نگهداری دامهای خود استفاده می کردند .

دنباله همین اقدامات منجر به قرارداد ننگین آخال و جدایی قسمتی از خاک خراسان در سال ۱۲۹۹ ه ، ق (۱۸۸۱ م) از ایران گردید (۴) .

مزد بگیران !!

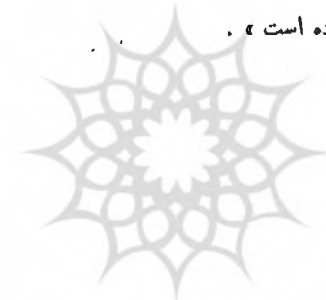
اما دلیل روشن بر وطن فروشی سپهسالار و همکارانش پولیست که بیگانه به عنوان دستمزد خیانت به آنان می پردازد .
زردیکی و تقرب به يك سیاست غدارانه ممکن است گاهی و برای مدت

کوتاهی سودمند باشد اگر هم متضمن سودی نباشد وجود نیت پاک و بدون سود و آز شخصی می تواند محمل پذیرفته ای باشد ولی گرفتن پول و دستمزد نشانه کامل سوداگری و مزدوری است . چنین سیاستمدار ایران فروش را نمی توان رجل میهن پرست و خیر خواه دانست .

مستتر کوت نماینده روئیتر برای تسریع و تسهیل کار مبالغی به رجال و وزراء ایران رشوه می دهد و اگر کسی جرأت مخالفتی می کرد با دادن پول دهانش را می بست . چنانکه اعتمادالسلطنه در کتاب خود می نویسد :

« پنجاه هزار لیره میرزا حسین خان صدراعظم گرفته ، همینطور هاهم میرزا ملکم خان . بیست هزار لیره حاج محسن خان معین الملک ، بیست هزار لیره منیرالدوله ، مبلغی هم اقبال الملک ، مبلغی هم مردم دیگر که دست اندر کار بوده اند مختصر قریب دویست هزار لیره تعارف داده و صد هزار لیره هم خرج کرده است . »

(ادامه دارد)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- نامه های خصوصی میرزا ملکم خان (عکسی در کتابخانه مرکزی

دانشگاه) ، جلد ۳ ، ص ۳۱ .

۲- خاوران یا گوهر ناشناخته ایران ، ص ۴۴

۳- عصر بی خبری ، ص ۱۰۷ .

۴- La Polistique Europeen En Prse.P.194